



ارشاد جاهل

کلیدواژه: [آگاهی](#)، ارشاد جاهل، [امر به معروف](#)، [جهل](#)، [راهنمایی](#)، [هدایت](#).

پرسش: ارشاد جاهل به چه معناست؟

پاسخ: [ارشاد](#) از ماده‌ی [رشد](#) گرفته شده است که در [لغت](#) به معنای [هدایت](#) و به [حق](#) و [درستی](#) رهنمون کردن است

[1] معین، مجد؛ فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ش، ج ۲۲، ۱، ص ۲۰۱.

و در مقابل آن کلمه‌ی [عجی](#) قرار دارد که به معنای هدایت به بی‌راهه می‌باشد.

[2] راغب اصفهانی، حسین؛ المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، انتشارات دارالعلم، ۱۴۱۲، ج اول، ص ۳۵۴

[3] مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۱۶، ج اول، ص ۱۳۹.

جاهل نیز از ماده‌ی [جهل](#) به معنای کسی است که خالی از [علم](#) است.

[4] طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج سوم، ص ۵، ص ۳۴۵.

فهرست مندرجات

۱- انواع جهل

۲- قرآن و ارشاد جاهل

۳- سیره‌ی امامان(ع) در ارشاد

۴- شیوه‌های ارشاد

۴.۱- دعوت عملی به نیکی

۴.۲- بیانی ساده و رسا

۴.۳- آموزش غیرمستقیم

۴.۴- یادآوری

۵- ویژگی‌های ارشادکننده

۵.۱- حس انسان دوستی

۵.۲- شهامت حق‌گویی

۵.۳- رفق و مدارا با مردم

۵.۴- بذل علم با جان و دل

۵.۵- شناخت مخاطب

۵.۶- توجه به شرایط زمان و مکان

۶- پانویس

۷- منبع

انواع جهل

جهل خود بر دو قسم است "[جهل بسیط](#)" و "[جهل مرکب](#)". جهل بسیط آن است که انسان چیزی را نمی‌داند ولی خودش هم می‌داند که نمی‌داند؛ ولی جهل مرکب آن است که انسان نمی‌داند ولی نمی‌داند که نمی‌داند و به [اصطلاح](#) جهل در جهل است و آگاهی‌بخشی به چنین افرادی از گروه نخست به مراتب دشوارتر است.

[5] مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۱۴۱.

در [اصطلاح قرآنی](#) و روایی نیز جهل در نقطه مقابل [عقل](#) قرار دارد، نه [علم](#). از این رو جاهل به کسی گفته می‌شود که قدرت [فهم](#) مطالب و [تجزیه](#) و [تحلیل](#) آن را ندارد، اگرچه عالم باشد؛ به این معنا که دایره‌ی اطلاعاتش گسترده است و ذهنش شبیه انباری از [اطلاعات](#) و [اصطلاحات](#) است، اما توانایی تجزیه و تحلیل این اطلاعات را در جای مناسب ندارد.

[6] مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۶۹۵-۶۹۶.

بنابراین ارشاد جاهل به معنای راهنمایی شخصی است که راه را از بی‌راهه باز نمی‌شناسد.

قرآن و ارشاد جاهل

[اهل کتاب](#) بودن و سری در نوشته‌ها داشتن، همچنان‌که مزیت و ارزش است، [محاسبه](#) در پی‌دارد و از [تکلیف](#) بازخواست می‌شود. دانایان [دین](#)

و آشنایان به حقایق و عالمان به **کتاب**، در برابر **خالق** و **خلق**، **رسالت** دارند. این میثاقی است که خداوند در وهله‌ی نخست از پیامبرش گرفته

[۷] نور/سوره ۲۴، آیه ۵۴.

و در مرحله‌ی بعد از تمامی عالمان و آگاهان به حقایق امور.

[۸] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸۷.

البته غالب انسان‌ها وقتی نام مسئولیت بر سر کاری می‌آید از آن فراری می‌شوند، برای همین **خداوند** گروهی را از میان خود مردم موظف می‌داند که **سفر** کنند به سوی دیگر عالمان و از آنها نادانسته‌ها را یاد گرفته و به خاندان و اقوام خویش بیاموزند. در **قرآن** آمده است:

«شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی **میدان جهاد**) **کوچ** کنند. چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین (و **معارف** و **احکام اسلام**) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی **قوم** خود، آنها را **بیم** دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان **پیوردگار**) بترسند و خودداری کنند!»

[۹] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.

در این **آیه** نکاتی نهفته که لازم است تأمل و توجه بیشتری در مورد آنها صورت گیرد:

(ا) **هجرت** برای یادگیری **علوم** و مسائلی که انسان برای رشد و تعالیش بدان نیازمند است، در ردیف هجرت برای **جهاد در راه خدا** قرار گرفته است؛ یعنی جهاد با جهل همانند جهاد با **دشمن**، بر تمامی مسلمانان **واجب** است.

[۱۰] **مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج اول، ص ۸، ۱۹۴.**

(ب) مقصود از **تفقه** در **دین** یادگیری **احکام عملی** و **علم فقه** تنها نیست؛ بلکه **فقه** و **فقهات** به معنی فهم است که از روی دقت و تأمل صورت بگیرد و چون در رابطه با امور دینی ذکر شود، شامل یادگیری حقایق و معارف دینی از **اصول** و **فروع اسلامی** می‌شود.

[۱۱] مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، انتشارات مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش، ج اول، ص ۱۰، ۳۰۴.

(ج) کسانی که برای یادگیری **علوم دینی** گمارده می‌شوند، از طبقه و نژاد خاصی نیستند؛ بلکه همه از درون جامعه اسلامی برخاسته‌اند.

[۱۲] مدرّسی، مجدّتی؛ تفسیر هدایت، ترجمه گروهی از مترجمان، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۷، ج اول، ص ۴، ۲۵۵.

(د) گروهی که کسب **دانش** نمودند، در جایی نمی‌مانند تا مردم نزد آنان آیند؛ بلکه خود به میان مردم می‌روند و هشدارشان می‌دهند

[۱۳] مدرّسی، مجدّتی؛ تفسیر هدایت، ص ۲۵۶.

و این همان وظیفه‌ی عالمان برای ارشاد جاهلان می‌باشد.

سیره‌ی امامان (ع) در ارشاد

در بیشتر کتاب‌هایی که به جمع‌آوری احادیثی در رابطه با **اخلاق** و **اعتقادات** پرداخته شده، فصلی به **فضیلت** کسب دانش و جایگاه والای **دانشمندان** اختصاص یافته است.

[۱۴] صفارقمی، مجد؛ بصائرالدرجات، قم، انتشارات کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق، ج دوم، ص ۱.

[۱۵] کلینی، مجد؛ کافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج دوم، ص اول، کتاب فضل العلم.

[۱۶] مجلسی، مجد؛ بحارالانوار، بیروت، انتشارات موسسه الوفاء، ۱۴۰۴، جلد اول و دوم و...

اما در همان کتاب‌ها به این نکته نیز اشاره شده است که در صورتی عالمی مورد ستایش واقع می‌شود که دیگران را از علمش بهره‌مند سازد.

[۱۷] کلینی، مجد؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳، ج ۷-۹.

[۱۸] مجلسی، مجد؛ بحارالانوار، جلد ۲، ص ۱-۲۶.

در روایتی **حضرت علی** (ع) فرمودند: «خداوند از جاهلان برای طلب دانش پیمان نگرفت تا اینکه نخست از دانشمندان جهت بیان دانش برای جاهلان پیمان گرفت؛ چرا که **علم** پیش از **جهل** آفریده شده است.»

[۱۹] مفید، مجد؛ امالی، قم، انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج اول، ص ۶۶.

در بسیاری از **روایات** نیز مشاهده می‌شود که برای هرچیزی زکاتی در نظر گرفته شده که پرداخت آن واجب است و **زکات** علم، انتشار دادن آن است

[۲۰] **ابن‌شعبه حرّانی، حسن؛ تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ج دوم، ص ۲۶۴.**

[۲۱] کلینی، مجد؛ کافی، ج اول، ص ۴۱.

[۲۲] آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ج اول، ص ۴۴.

و آیا نشر علم، چیزی جز آگاهی‌بخشی به افراد ناآگاه است؟ و چه زیبا هدیه‌ای است ارشاد و هدایت جاهل و آگاه نمودن او که هیچ هدیه‌ای به پای آن نرسد.

[۲۳] دیلمی، حسن؛ ارشادالقلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریف‌رضی، ۱۴۱۲ ق، ج اول، ص ۱۳.

خداوند به **حضرت موسی** (ع) فرمود:

«چیزهای خوب را یادبگیر و به کسانی هم که نمی‌دانند یادبده! پس به‌درستی که من مزار معلّمان و راهنمایان خیر و خوبی و کسانی که آن را فرا می‌گیرند را، پُر از نور می‌کنم تا در آنجا از چیزی وحشت و هراس نداشته باشند.»

[۲۴] دیلمی، حسن؛ ارشادالقلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریف‌رضی، ۱۴۱۲ ق، ج اول، ص ۱۳.

شیوه‌های ارشاد

برای آگاهی دادن به مخاطبی که نمی‌داند در مسیر غلط گام برمی‌دارد می‌توان از **آیات** و **روایات** و با مراجعه به سخنان بزرگان راه‌ها و شیوه‌های مختلفی را ارائه نمود که در ذیل به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

تأثیر عمیق "دعوت عملی" از اینجا سرچشمه می‌گیرد که هرگاه شنونده بداند، گوینده از دل سخن می‌گوید و به گفته‌ی خویش صد درصد ایمان دارد، گوش جان خود را به روی سخنانش می‌گشاید و سخن که از دل برخیزد بر دل می‌نشیند و در جان اثر می‌گذارد و بهترین نشانه [ایمان](#) گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران عمل کند.

[\[۲۵\] مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۱۵.](#)

[این ابی‌یعفور](#) گوید: [امام صادق](#) (ع) به من فرمود:

«مردم را به غیر از زیانتان (با عملتان) [دعوت](#) به [\(راه راست\)](#) کنید، تا [سعی](#) و [کوشش](#) و [درستی](#) و خویش‌تن‌داری را از شما مشاهده کنند.» [\[۲۶\]](#) طبرسی، فضل بن حسن؛ مشکاة‌الانوار فی غرر‌الاجبار، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۵ق، چ دوم، ص ۴۶.

← بیانی ساده و رسا

ساده‌ترین روش در ارشاد جاهل، گوشزد کردن آنچه که او نمی‌داند با بیانی ساده و بی‌پیرایه است. در ارشاد هدف این است که شخص شنونده متوجه اشتباه و خطای خویش گردد. اگر شخص ارشادکننده طوری صحبت کند که اصلاً او متوجه گفته‌هایش نشود، نتیجه این می‌شود که این همه تلاش برای ارشاد، تلاش برای هیچ بوده است.

[\[۲۷\]](#) مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۴۹.

← آموزش غیرمستقیم

[امام حسن](#) و [امام حسین](#) (ع) در ایام [کودکی](#) بر [پیرمردی](#) گذشتند که مشغول [وضو](#) گرفتن بود، ولی وضو را درست انجام نمی‌داد. آن دو بزرگوار (ع) (برای اینکه آن [پیرمرد](#) را آگاه نمایند) به آن پیرمرد گفتند: ما دو نفر وضو می‌گیریم و شما [قضاوت](#) کنید که کدامیک از ما بهتر وضو می‌گیرد. وقتی وضو گرفتند به وی گفتند: وضوی کدامیک از ما نیکوتر بود؟ گفت: شما هر دو خوب وضو گرفتید، ولی این پیرمرد نادان وضویش صحیح نبود. اکنون وضو گرفتن را از شما آموختم. عرب‌زبان‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: "به‌کنایه سخن گفتن رساتر از [تصریح](#) است".

← یادآوری

در برخی موارد، در مسیر اشتباه گام برداشتن نه به‌خاطر ندانستن است، بلکه بخاطر [غفلت](#) و [فراموشی](#) است. در چنین مواردی یادآوری آنچه که فراموش شده، بهترین شیوه برای [هدایت](#) و [ارشاد](#) است.

[\[۲۸\]](#) مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ص ۱۶۵.

خداوند متعال به [رسول اکرم](#) (ص) چنین می‌فرماید:

«و پیوسته [تذکر](#) ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد.»

[\[۲۹\]](#) [ذاریات/سوره ۵۱، آیه ۵۵.](#)

روش‌های دیگری نیز می‌توان به این موارد افزود که با تفاوت شرایط زمان و مکان کاربرد بهتری دارند؛ اما برشمردن همه‌ی آنها از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

ویژگی‌های ارشادکننده

آراستگی به [اخلاق انسانی](#) و زدودن خوی‌های زشت، وظیفه‌ی همگان است. اما چنان‌که بیان شد، کسی که دیگران را به نیکی‌ها، خوش‌خلقی‌ها، راستی‌ها و دوری از کژی‌ها و ناراستی‌ها فرامی‌خواند، بدین سبب که تا خود به این امور باور نداشته باشد توصیه‌هایش در دیگران چندان اثری نخواهد داشت، باید سرلوحه‌ی دیگران در این مسیر باشد. از سوی دیگر مهم‌ترین عامل جذب و تأثیرگذاری [اخلاق](#) است. اخلاق نیک آدمی زمینه‌ی گرایش مردم را فراهم می‌آورد؛ چنان‌که [اخلاق زشت](#)، موجب [نفرت](#) و فرار مردم از او می‌گردد. پس به عنوان زیربنای شخصیت ارشادکننده، اخلاق نخستین [ضرورت](#) است. از جمله خصوصیات اخلاقی و دیگر مسائلی که اطلاع از آنها برای شخص راهنما ضروری است می‌توان به این موارد اشاره داشت:

← حسن انسان دوستی

نخستین خصلتی که باید در وجود شخص ارشادکننده نهادینه شود، [حسن انسان‌دوستی](#) و شور و سوز [اصلاح](#) و [هدایت](#) نوع انسان است. وجود این حسن در [فطرت آدمی](#) است که وقتی می‌بیند تشنه‌کامان حقیقت از بی‌راهه می‌روند، او را وامی‌دارد تا به هدایت و ارشاد آنها بپردازد. نمونه‌ی آشکار این حرکت وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام (ص) است. خداوند خطاب به رسول گرامیش می‌فرماید:

«گوی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر این‌که آنها ایمان نمی‌آورند!»

[\[۳۰\]](#) [شعراء/سوره ۲۶، آیه ۳.](#)

[عشق](#) به هدایت انسان‌ها در وجود نازنین رسول‌خدا (ص) چنان موج می‌زد که نمی‌توانست [جهالت](#) و [نادانی](#) برخی را ببیند و از کنارشان عبور کند.

← شهامت حق‌گویی

تیس، **زیونی** و **سیستی** در اظهار حق، از **گناهان** بزرگی است که شاید جبران‌ناپذیر باشد. اگر انسان با **آزادگی** و **شجاعت** کامل **مراقب** خود نباشد، ممکن است حقیقت را فدای **مصلحت** موهومی کند که در ذهنش رسوخ کرده و یا محیط خاصی را پدید آورده است. اگر چنین فضایی برای ارشادکننده پیش آید، باید با استمداد از نیروی لایزال الهی، بر **تخیلات** خویش غلبه نماید و جو کاذب را بشکند و به روش پیامبران بنگرد که چگونه اندیشه‌های نو و صددرصد متضاد با **تفکر** محیط را عرضه می‌کردند و از هیچ چیز نمی‌هراسیدند.

[۲۱] **احزاب/سوره ۳۳، آیه ۳۹.**

[۲۲] (بی‌نا)؛ روش تبلیغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶-۴۷.

← رفیق و مدارا با مردم

درجه‌ی **ایمان** و **یاور** مردم متفاوت است و بسیاری از مسائل برایشان حل شده نیست؛ بلکه می‌آیند و سوال می‌کنند و در هر مسئله‌ی مسلمی ممکن است **شک** کنند و با **تردید** بپرسند. در این‌گونه موارد است که شخص عالم و فرهیخته باید با بردباری و مدارا پاسخ گوید و بکوشد که با توضیح و بیانات گوناگون، موضوع را برای مردم روشن کند. از هیچ نوع سوال و مطلبی نرنجد، قیافه درهم نکشد، پرسنده را رد و طرد نکند و از **تکفیر** و **تفسیق** بپرهیزد.

[۲۳] (بی‌نا)؛ روش تبلیغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰-۴۱.

آیات ابتدای سوره‌ی **عیس** یادآور همین نکته می‌باشد.

← بذل علم با جان و دل

آنجا که نیاز به بیان است تا جاهلی آگاه شود، تا رهروی در چاه نیفتد، تا مرده دلی به حیات قلبی رسد، تا سرگردانی به چشمه‌ی **یقین** دست یابد، در این گونه موارد، دم فرو بستن و کتمان علم و بیان نکردن حق، خیانت است.

[۲۴] محدثی، جواد؛ آفات علم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ج اول، ص ۹۷.

امام حواد (ع) فرموده است:

«اگر عالمان، سرگردانی را ببینند و راهنمایی‌اش نکنند، یا مرده‌ای را ببینند و او را زنده نکنند و **نصحت** و **خیرخواهی** را کتمان کنند، اینان خائن‌اند.»

[۲۵] **کلینی، مجد؛ کافی، ج ۸، ص ۵۴.**

← شناخت مخاطب

کسی که در مسند **ارشاد** قرار دارد، باید توجه داشته باشد که با چه کسی گفتگو می‌کند. فهم هر فرد بسته به سن، جنسیت و میزان **علم** و **فهم**، متفاوت خواهد بود.

روش ارشاد **نوحوان** و **حوان** با شیوه‌ی ارشاد افراد میان‌سال و کهن‌سال بسیار متفاوت است. گاهی فردی هنگام آموزش دیگران مطالبی را در حد آگاهی خود بیان می‌کند و از **اصطلاحات** و عبارات علمی بهره می‌گیرد، در صورتی که بسیاری از آن اصطلاحات برای اکثر افراد قابل پذیرش و فهم نیست. رسول خدا(ص) این روش را شیوه‌ی **پیامبران** در ارشاد دیگران معرفی می‌نماید:

« ما گروه پیامبران دستور داریم که با مردم در خور عقلشان سخن بگوئیم »

[۲۶] **کلینی، مجد؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳.**

برای دست‌یابی به نتیجه‌ی مطلوب، باید مطالب را در حد فهم افراد ساده و روشن بیان نمود.

← توجه به شرایط زمان و مکان

مکان‌های مذهبی هم‌چون **مساجد** و زیارت‌گاه‌ها، بهترین و مناسب‌ترین مکان‌ها برای آموزش **مسائل دینی** است؛ البته باید دانست که آموزش این مسائل منحصر به چنین مکان‌هایی نیست؛ بلکه مراکز آموزشی چون **مدارس**، دانشگاه‌ها و... نیز زمینه‌ی مناسبی برای سخن گفتن در این باره را دارند.

زمان نیز به‌مانند مکان دارای اهمیت بسزایی در پذیرش راهنمایی‌های دیگران است. **بند** و **اندرز** دیگران هنگام **گرسنگی**، **تشنگی**، **خستگی**، بی‌حوصلگی و هیجان نه تنها مفید نیست، بلکه تأثیرات منفی نیز دربردارد. ایام **ماه رمضان**، **ماه محرم**، **محالسن عزا** و **مراسم شادی** و سرور برای **اهل بیت** (ع) و اوقاتی که مخاطب دوست دارد با کسی درد و دل کند، از بهترین مواقع راهنمایی دیگران است.

امام حسین (ع) از **ایام حج** بهترین بهره‌برداری را برای رساندن پیام **انقلاب** خود و بیداری **مسلمانان** از خواب **غفلت**، نمود.

[۲۷] قرائتی، محسن؛ قرآن و تبلیغ، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۷ش، ج اول، ص ۳۷-۴۷.

پانویس

۱. **معین، مجد؛ فرهنگ فارسی**، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ش، ج ۲۲، ص ۲۰۱.
۲. **راغب اصفهانی، حسین؛ المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، انتشارات دارالعلم، ۱۴۱۲، ج اول، ص ۳۵۴.
۳. **مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن**، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۱۶، ج اول، ص ۱۳۹.
۴. **طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرين**، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج سوم، ص ۵، ص ۳۴۵.
۵. **مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۱۴۱.
۶. **مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار**، ج ۲۲، ص ۶۹۵-۶۹۶.

۷. [↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۵۴.](#)
۸. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸۷.](#)
۹. [↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.](#)
۱۰. [↑ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج اول، ج ۸، ص ۱۹۴.](#)
۱۱. [↑ مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، انتشارات مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش، ج اول، ج ۱۰، ص ۲۰۴.](#)
۱۲. [↑ مدرّسی، مجدّتی؛ تفسیر هدایت، ترجمه گروهی از مترجمان، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۷، ج اول، ج ۴، ص ۲۵۵.](#)
۱۳. [↑ مدرّسی، مجدّتی؛ تفسیر هدایت، ص ۲۵۶.](#)
۱۴. [↑ صفارقمی، مجد؛ بصائرالدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق، ج دوم، ج ۱.](#)
۱۵. [↑ کلینی، مجد؛ کافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج دوم، ج اول، کتاب فضل العلم.](#)
۱۶. [↑ مجلسی، مجدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، انتشارات موسسه الوفاء، ۱۴۰۴، جلد اول و دوم و....](#)
۱۷. [↑ کلینی، مجد؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳، ج ۷-۹.](#)
۱۸. [↑ مجلسی، مجدباقر؛ بحارالانوار، جلد ۲، ص ۱-۲۶.](#)
۱۹. [↑ مفید، مجد؛ امالی، قم، انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج اول، ص ۶۶.](#)
۲۰. [↑ ابن شعیبه حرّانی، حسن؛ نجف العقول عن آل الرسول\(ص\)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ج دوم، ص ۳۶۴.](#)
۲۱. [↑ کلینی، مجد؛ کافی، ج اول، ص ۴۱.](#)
۲۲. [↑ آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ج اول، ص ۴۴.](#)
۲۳. [↑ دیلمی، حسن؛ ارشادالقلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریفرضی، ۱۴۱۲ق، ج اول، ج ۱، ص ۱۳.](#)
۲۴. [↑ دیلمی، حسن؛ ارشادالقلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریفرضی، ۱۴۱۲ق، ج اول، ج ۱، ص ۱۳.](#)
۲۵. [↑ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۱۵.](#)
۲۶. [↑ طبرسی، فضل بن حسن؛ مشکاة الانوار فی غررالاحبار، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۵ق، ج دوم، ص ۴۶.](#)
۲۷. [↑ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۴۹.](#)
۲۸. [↑ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ص ۱۶۵.](#)
۲۹. [↑ ذاریات/سوره ۵۱، آیه ۵۵.](#)
۳۰. [↑ شعراء/سوره ۲۶، آیه ۳.](#)
۳۱. [↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۳۹.](#)
۳۲. [↑ \(بی نا\)؛ روش تبلیغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶-۴۷.](#)
۳۳. [↑ \(بی نا\)؛ روش تبلیغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰-۴۱.](#)
۳۴. [↑ محدّتی، جواد؛ آفات علم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ج اول، ص ۹۷.](#)
۳۵. [↑ کلینی، مجد؛ کافی، ج ۸، ص ۵۴.](#)
۳۶. [↑ کلینی، مجد؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳.](#)
۳۷. [↑ قرائتی، محسن؛ قرآن و تبلیغ، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۷۷ش، ج اول، ص ۲۷-۴۷.](#)

منبع

[سایت پژوهه.](#)

رده‌های این صفحه : [امر به معروف و نهی از منکر](#)